

آموزگار خود در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی را دریابید!

اگر عزیزانی از این عنوان و پیام گرفتار شوک و حیرت شوند؛ نه تنها مایه نگرانی نیست بلکه واکنشی است مثبت و سازنده.

برای جوانانی ۱۵ تا ۴۰ ساله و مردان و زنانی ۴۰ تا ۸۰ ساله افغانستانی و تاجکستانی و ایرانی (با حفظ استثنائات) هنوز این واقعیت برق آسا و حتی فوق برق آسا طور بایسته قبول نیافته که ایشان از اعصار کهن ساده زیستی حقیرانه شکار گری و زراعتی و چرخ ریسندگی و دوک و درفش به ناگهان در عصر دیجیتال و هوش مصنوعی و هزاران روند و جریان نوین و شگفتی آور و سخت پیچیده پرتاب شده اند.

این تغییر و گزار به حدی ناگهانی و دراماتیک است که میتوان آنرا به پرتاب مردمان از کره زمین به سیاره مطلقاً دور و نامتشابه و ناشناخته همانند انگاری کرد.

این سیاره مفروض که زبان آن منجمله دیجیتال و فکر و فرهنگ در آن «هوش مصنوعی» و سیالیت های کوانتومی است اگر آنرا بر زمینه ای چون کره مریخ تصور و تجسم کنیم؛ هنوز جوان و میانسال و حتی سالخورده بشری اعم از زن و مرد؛ به مدد دینامیسم هایی از زبان و فکر و فرهنگ انباشته قرون خود و نیاکان خویش؛ میتواند دریافت هایی از آن صورت دهد و بالنیجه تدابیر و راهکار های «تنازع بقایی» در حول و حوش آن ساماندهی نماید!

ولی این توانایی اغلب و اغلب بالقوه است و نه بالفعل. و به عین تناسب به آموزش بروز و

آموزگار پرتوان و پیشتاز نیاز مبرم و اجتناب ناپذیر دارد.

البته این نیاز و ضرورت به آموزش و آموزگار برای نسل های متمدنی بشری از قرون پیش

شناخته شده بود چرا که بشریت تکاملتر و متمدن تر شده میرفت و زندگانی اش مرتباً پیچیدگی ها و غوامض پیدا میکرد و نیز رفتار ها و جریانات طبیعت را بیشتر می شناخت و این شناخت ها به گونه دانش های پرشاخه دامن میگسترده.

همه اینها برای توده ها و به ویژه برای کودکان و جوانان ضرورت آموزش و آموزگار دانا و توانا

را مبرهن و آفتابی میساخت.

البته موازی به این جریانات؛ بشر تحت منگنه ترس ها و تروما های ناشی از توهامات و یا تأثیرات

بلایا و سوانح و غوامض گیج کننده و دلهره آفرین طبیعت؛ باور ها و تصوراتی فراهم میکرد و جهت

تسری و تداوم این باور ها و انگاره های غیر طبیعی و چه بسا ضد طبیعی هم به آموزش و آموزگار

برای کودکان و جوانان نیازمندی داشت و دارد.

این مورد به تناسب عقبماندگی جوامع؛ مبرمیت بیشتر هم میداشته باشد. معهذاً بحث و فحص در آن

بیرون از حوصله این مختصر است.

علم بشر همیشه **محدود و کرانمند و نیز آموختنی در سنین بلوغ** است ولی **جهل بشر نامحدود و**

بیکرانه بوده و ماتحت الضمیر یا ضمیر ناخود آگاه آدمی که در دوران کودکی یعنی قبل از توانمند شدن

انسان برای آموزش های علمی و مثبت؛ شکل میگیرد و انباشته میشود؛ آمیزه ای از غرایز و باور ها و

اعتیاد های اغلب تیره و تار خرافی و چه بسا مرضی میباشد.

بدینجهت ضمیر ناخود آگاه که روانشناسان به آن «کودک درون» نیز اطلاق میکنند؛ در برابر

آموزش ها و کنش های نو؛ مقاومت و مخاصمت میکند.

اینکه افراد در قبال انتقاد و ایراد بر باور و عیب آشکارا غلط و بیمارگونه شان دفعتاً بر افروخته

میشوند و بدون سنجش و تأمل به واکنش های خطیر هم متوسل میگردند؛ دینامیزی برخاسته از ضمیر

ناخود آگاه ایشان است.

چندان پوشیده نیست: از همین دینامیزم که علی القاعده در توده های غیرمتمدن و فرا شهری شدت

و حدت بالایی داشته و دارد؛ در جهت سیاست های استعماری و استخباراتی برای برده سازی خود آنان

و یا هم استعمال آنان منحصراً لشکر های نیابتی علیه رقیبان؛ به وفرت استفاده شده است و استفاده میشود.

البته این سلسله سری بسی دراز دارد و ورود مستند و تحقیقی بر آن نیازمند نگارش کتاب های قطور، تدارک فیلم های بلند... می باشد که خوشبختانه خیلی ها هم این رسالت ایفا شده است.

هدف من درینجا صرف تأکید بر **دینامیزم مقاومتی ضمیر ناخودآگاه** در برابر سخن نو و پدیده متفاوت و متضاد با باور ها و انگاره های انباشته شده در آن است که در همه ما به اندازه کم یا زیاد وجود دارد. اساس آن یک موهبت تنازع بقایی بوده بالذات امر شر و شومی شمرده شده نمیتواند. جای خوشبختی است که آدمیان معاصر و بالنسبه تماس یافته با مدنیت و علم و آگاهی؛ بر خلاف حیوانات و قبایل انسانی سخت منزوی و وحشی مانده؛ توانایی کنترول و مهار این دینامیزم مقاومتی سرسخت را دارند و لذا منجمله میتوانند کمابیش آموزش های نو و آموزگاران متحول کننده را تحمل و حتی استقبال کنند.

به ویژه احساس و درک و دریافت اینکه دنیای دگرگون شده را که در آن تقریبا هیچ چیز مانند گذشته ها و مانند دوران کودکی یا عموما مانند دوران عمر های گذشته ما و نیاکان مان نیست - نمیتوان توسط داشته ها و انباره ضمیر ناخود آگاه یا دانسته ها و منطق حقیر بر گرفته از خانواده و جامعه مان بشناسیم و بر روند ها و جریانات فوق العاده پیچیده آن سلطه یابیم - این حقیقت؛ توانایی به پا خاستن و انگیزه های جستجوی راه ها متفاوت را نیرو می بخشد و حتی آنها را به مقام نیاز عاجل و فوری «تنازع بقایی» بر می افرازد.

ما که دیگر محکوم زیستن در عصر دیجیتال، هوش مصنوعی و انقلابات بزرگ موازی یا پیهم در صنعت و تجارت و مارکیت و تولید و توزیع نعمت ها و ارزش های زیستی ... هستیم که در همین گذشته ۲۰ - ۳۰ ساله عمر مان نه قابل دید بود و نه قابل تصور؛ ناچاریم از «درگذشته ماندن» و بد تر از آن «گذشته گرایی» و «گذشته پرستی» که منجمله فرمان ضمیر ناخود آگاه مان هست؛ بیرون جهیم تا بتوانیم برای سازگاری در دور و زمان متفاوت و حتی متضاد؛ توفیق یابیم.

توانایی «سازگاری یا تطابق با محیط» قانون ابدی زندگانی است و ناکامی درین امر؛ به معنای نابود شدن و انقراض میباشد و بس!

امیدوارم با این مقدمه کلی و مختصر در آماده کردن ذهن و روان شما برای دریافت توانایی «سازگاری بامحیط» عصر دیجیتال و پروسه های شتابان و نه چندان ساده همروند با آن کار ثمر بخش انجام داده و این پرسش را در شما خلق کرده باشم که: چطور و چگونه؟؟

حتی قویاً آرزو میکنم که نه تنها شاهد تحقق توانایی حد اقلی شما درین «سازگاری با محیط» جدید فوق تصور باشم بلکه استیلا و حاکمیت تان برین گستره نوین و بی پیشینه تنازع بقایی را در حد اعلا مسلم بدانم.

مسلماً الگوها و شاهراه هایی که شما درین راستا خواهید یافت پرشمار خواهد بود. ولی بنده درینجا یک الگوی وطنی و یک جاده هموار شده و طی شده و از آزمون ها گذشته را خدمت شما با مباحثات به معرفی میگیرم:

الگو؛ استاد مسلم دانش های عصر محترم دکتور عنایت مدرس استند و جاده فرا روی شما «مدرس اکادمی» است.



با آنکه به سخن بزرگان قدیم؛ مشک آن است که خود بوید نه آنکه عطار گوید. معهذا اجازه میخوام مختصری در مورد بیشتر عرض نمایم.

جناب دکتور عنایت مدرس فرزند افغانستان شمالی بوده و با گذشتن از کودکی و نوجوانی پر از فقر و تنگدستی؛ موفق شده است تا از سومین دانشگاه معتبر جهان امروز (سیانس پو) فارغ شود. او با مدد اندوخته ها و نبوغ خویش با گشودن مارکیت های مالی جهان امروز به روی خودش و حسب قوانین بازی در آنها؛ توانسته به درآمد های هنگفت برسد و ثروتمند شود.

ولی برای آنکه بتواند هموطنان و همزبانان خویش در ایران و تاجکستان و در اقصا نقاط جهان را نیز همراه خود به بالا بکشد؛ به تأسیس و راه اندازی «مدرس اکادمی» همت کرده است.

مدرس اکادمی در حال حاضر مصروف پنجمین دوره آموزشی اش میباشد. طبق مستندات ارائه شده در سایت مدرس اکادمی؛ فارغان ۴ دوره سپری شده آن؛ که شامل آدم های جداً شایق و لایق بوده اند؛ اکنون مردان و زنان دانای رموز جریانات عصر استند و هرکدام شرکای مارکیت های مالی دنیا و صاحب عاید های جانبی....

دوره های مدرس اکادمی زیاد طولانی مدت نیست ولی در ان حسب مختصر شناسه که داده شده است موضوعات از این قرار میباشد:

« به کارخانه‌ی تولید رهبران عصر دیجیتال خوش آمدید. آنچه را در دانشگاه و مکتب نیاموختید اینجا خواهید آموخت. این دوره شما را از وابستگی مالی و از ذهنیت محدود و نادار و فقیر رهایی می‌بخشد.

در ۶۱ روز به گونه ۱۰۰ درصد تست شده و تضمینی صاحب تجارت و درآمد جانبی شوید. پس از این دوره ماهانه هزاران دالر عاید کنید و زندگی خود و عزیزان خود را نجات دهید. این شانس و فرصت تاریخی تکرار نخواهد شد. آنچه را در این ۶۱ روز فرا خواهید گرفت، همین اکنون در هاروارد، کمبریج، مؤسسه فناوری ماساچوست و سیانس پو تدریس می شود.

ما معتقدیم که یکی از بهترین راه‌های سرمایه‌گذاری روی خودتان در آموزش و یادگیری است. آموزش همیشه یک سرمایه‌گذاری بلند مدت و ارزشمند برای زندگی شماست. این دوره‌ی آموزشی بهترین سرمایه‌گذاری شما خواهد بود که تا آخر عمر مدیون آن می‌باشید.»

در نظر داشتم یک ویدیوی بلند جناب عنایت مدرس را که در آن حقایق زیاد پیرامون ماهیت و کارکرد مدرس اکادمی در پرتو جهانی‌ی خیلی جالب و تازه؛ همراه با بیانات متعدد فارغان این اکادمی ارائه میدارد؛ را اینجا بیاورم ولی بیم اینکه بزرگی حجم ویدیو مانع گشودن و دیدن آن برای بسیاری ها شود؛ آنرا با ویدیوی مختصر زیرین تعویض نمودم.

مختصر است اما لطفا این را از طرف من ببینید و بشنوید. سپس یوتیوب و گوگل و سایر

پلتنفرم ها و خود ویبسایت مدرس اکادمی به اختیار و به انتخاب تان:

<https://www.youtube.com/watch?v=KR۱g۴Uka۹-Y>

با این هفت مهارت به گونه تضمینی و ۱۰۰ فیصد هفته هزار دالر عاید کنید – یا ببین یا فقیر بمان

اینهم لینک ویبسایت مدرس اکادمی:

<https://mударisacademy.com/>